


جوزف دیلینی
مریم منتصرالدوله

آخرین شاگرد / ۹
چوبه‌ی دار خون‌آشام

ofoqco.com

ofokidsandteens

ofokidsandteens



تنها متحد باقی مانده / ۱۲۹

جادوگر بدسرشت / ۱۳۷

آی وحشی! / ۱۴۷

در جست وجوی شکار / ۱۵۳

صحنه‌ی دردناک / ۱۵۷

بازسازی خانه / ۱۶۳

موجودات ترسناک / ۱۷۳

حرص خون / ۱۸۱

کسی که خیلی دوستش داری / ۱۸۷

آلیس! / ۱۹۷

نیمی از داستان / ۲۰۷

رد شدن خطرناک است / ۲۱۳

موروی / ۲۲۳

سیب سبزرگ و تلخ / ۹

خطر ناشناخته / ۲۱

غرق در خون / ۲۹

آن خرس را بکش / ۴۱

برج ملکین‌ها / ۵۵

چوبه‌ی دار خون‌آشام / ۶۳

به هم قول بده / ۷۱

اگنس چی مانعت می‌شود؟ / ۷۹

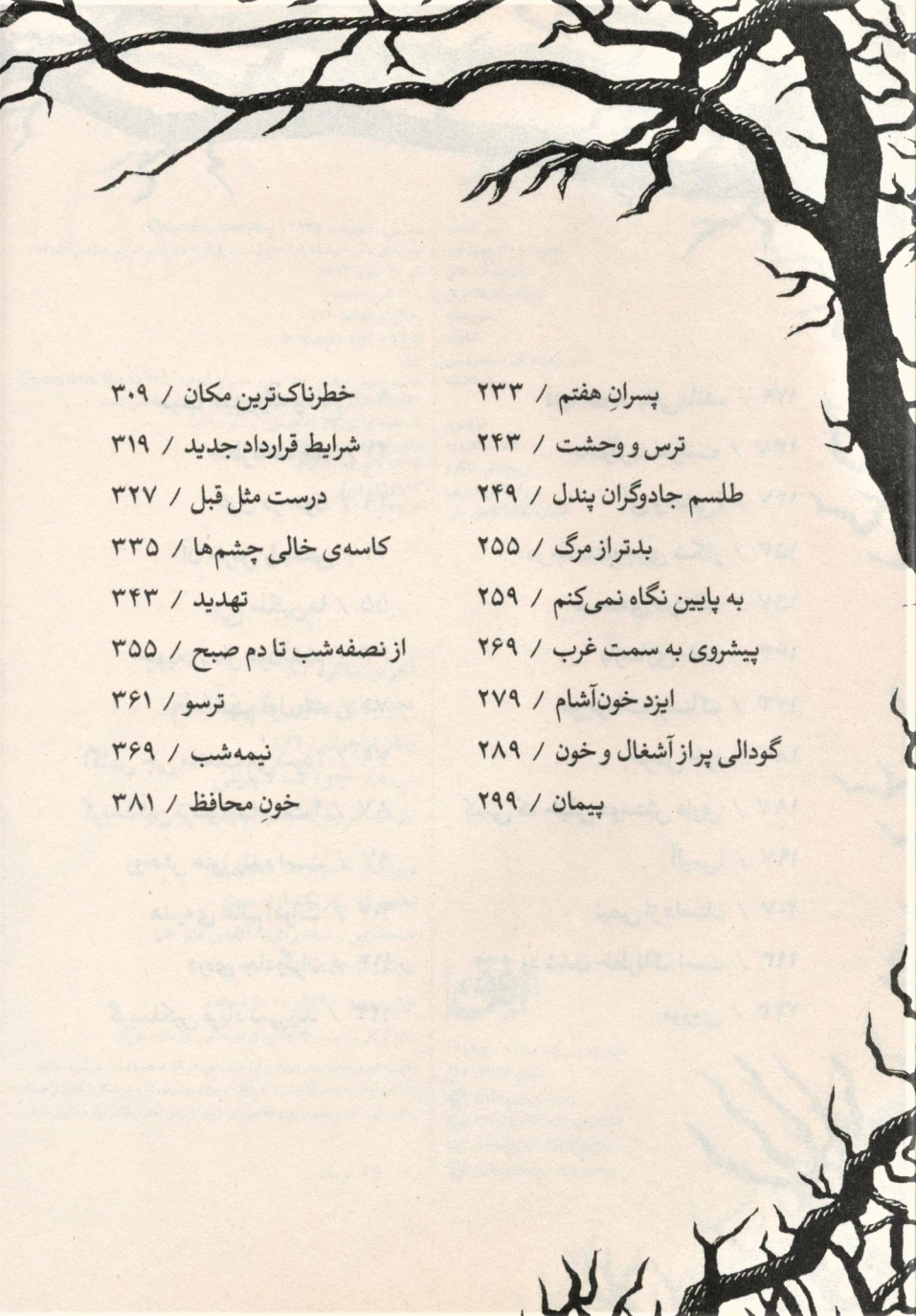
گریملکین ترسو هم هست؟ / ۸۷

روحش هنوز زنده است / ۹۷

هدیه‌ی عالم اموات / ۱۰۷

دره‌ی جادوگران / ۱۱۳

گریملکین فریاد نمی‌زند / ۱۲۳



۳۰۹ / خطرناک‌ترین مکان

۳۱۹ / شرایط قرارداد جدید

۳۲۷ / درست مثل قبل

۳۳۵ / کاسه‌ی خالی چشم‌ها

۳۴۳ / تهدید

۳۵۵ / از نصفه شب تا دم صبح

۳۶۱ / ترسو

۳۶۹ / نیمه شب

۳۸۱ / خون محافظ

۲۳۳ / پسرانِ هفتم

۲۴۳ / ترس و وحشت

۲۴۹ / طلسم جادوگران پندل

۲۵۵ / بدتر از مرگ

۲۵۹ / به پایین نگاه نمی‌کنم

۲۶۹ / پیشروی به سمت غرب

۲۷۹ / ایزد خون‌آشام

۲۸۹ / گودالی پراز آشغال و خون

۲۹۹ / پیمان

سیب سبز بزرگ و تلخ

وقتی وسط جنگل رسیدم، کیسه‌ی چرمی سنگینم را از روی دوشم زمین گذاشتم. زانو زدم و نخ‌ی را که دورش بسته شده بود باز کردم تا بفهمم بوی تعفن و ترشیدگی که از درونش به دماغم می‌خورد از کجاست. خودم را عقب کشیدم، اما هی سرم را جلو و عقب بردم تا تویش را ببینم که سری با موهای چرب و کثیف جلویم ظاهر شد.

